جمهوری اطلاعات

هشدار! مستعمره اطلاعاتی خواهیم شد

حامد اکبری
پژوهشگر سیاست‌گذاری دولت الکترونیک

سیاست‌های کنترلی مبتنی بر اخذ مجوزهای مختلف در مراحل مختلف و گـردن خدمات به نظـام پیچیده اسـتعلامات، اولین و سطح‌پایین‌ترین راه‌حلی اسـت که می‌توان برای این‌گونه موضوعات اندیشـید که مقوله احتمالی آن محل تأمل جدی اسـت. پس چه باید کرد؟ آیا باید با اعمال فشـارهای دولتی و امنیتی در ظرف‌های توسعه کسـب‌وکارها و ارائه خدمات اجازه و خدمات بهتر و پیچیده‌تر در ابعاد ملـی احتمال ایجـاد کرد یا اینکـه اجازه دهیـم فعالیت‌هایی بدون اسـتاندارد‌های مختلف توسـعه یافته و بسـتر وقوع اتفاقات ناامن، غیرقانونی و فراقانونی فراهم شـود؟ سناریوهای محتمل در این قضا قابل‌پیش‌بینی اسـت. همان‌طور که شرح شـد. جلوگیری از توسعه کسـب‌وکارها و خدمـات سـناریوی اول و رهاکـردن فعالیت‌های خدماتی و ابعاد بسـتر برای رشـد بوم‌های اجتماعی، سـناریوی ثانویـه خواهد بود. سـناریوی دیگری که به احتمـال قوی جامعه و کسب‌وکارها به سوی آنها خواهند رفت و به صورت طبیعی در محیط خدمات الکترونیکی رشـد خواهد کرد، سـرویس‌های «پروفایلینگ» و «هویت دیجیتال» اسـت که شرکت‌های قدرتمند ارتباطی و نرم‌افزاری به آن خواهنـد پرداخت. مجموعه‌هایی که به دلایل مختلف بتوانند سـرویس‌های پروفایلینگ و هویت دیجیتال را ارائـه کنند در نقش تسـهیل‌کننده و شـتاب‌دهنده و رابط بین اشخاص حقیقی و جامعه و کسـب‌وکارها و خدمـت‌رسـان مجـازی و الکترونیکـی، توانایـی نقش‌آفرینـی در این حوزه را خواهند داشـت. کاملا قابل‌پیش‌بینی اسـت که در غیاب الگـوی ارائـه سـرویس پروفایلینگ و هویت دیجیتال قابل اعتماد در کشـور، شـرکت‌های ملی کـوکل، فـیس‌بوک، تلگرام و... خدمـات پروفایلینگ را به کسـب‌وکارها و جامعه ارائه دهند. تا اینجای کار را هم می‌توان از نتایج خوب فضای جدید ایجادشـده در قالب کسب‌وکارهای مجازی دانسـت اما نکته قابل تأمل، آینده این اتفاقات خواهد بود! در کسـب‌وکارهای خصوصی که بسـاری از اطلاعات به مبنای خواطرهای ارتباطی جامعه می‌شود و از اهمیت چندانی برخوردار نیسـت، رویداد مهمی در حال شکل‌گیری اسـت که سهل انگاری در سیاسـت‌گذاری‌های مرتبط با آن، آینده جوامع و همچنین حق تأمین اجتماعی کارشـناسی و خدمات عمومی الکترونیک را به خطر می‌اندازد. خواننده محترم احتمالا کمابیش در جریان موضوع ارز مجازی «بیت‌کوین» هست که پرداختن به ابعاد و شرح فنی آن از وظیفه این یادداشت بیرون اسـت. بیت‌کوین مسـتقل از سـناریوی فوق‌العاده خلاقانـه و نبوغ‌آمیز خود، در غیاب حضـور و آمادگی نظام پولی و بانکی دنیا توسـعه یافتـه اسـت که در ابتدا به محمـلی برای اسـتفاده پوچ‌گرایان و پول‌شـویی‌های کارتل‌های قاچاق کالا و مواد مخدر قرار گرفت و قدرت یافت. ولی نفوذ آن در حلقه‌ها و زنجیره‌های حقوقی و قانونی جوامع، عمدا کنترل آن را غیرممکن کرده اسـت. امروزه بیت‌کوین و بسـترهای مشـابه، تبدیل شـده به منافذی از کسـب‌وکارهای قانونی پذیرفته می‌شـود و عمدا به بازارهای پولی و مالی دنیا و منطق بازار اضافه شـده و به عبارت دیگر خود را به آنها تحمیل کرده اسـت. علاوه بر اتفاقـات پیچیده‌ای از جمله حقایق پول بدون پشـتوانه و ایجاد بستر پول‌شـویی‌ها و برنامه‌های مالی که می‌تواند توسـعه عمق پیدا کند، پیش‌بینی‌ناپذیرمود مدل توسعه آن در آینده اسـت. مانند بیت‌کوین ظرفیت تاثیرگذاری جدی بر مناسبات اجتماعی مذکور، منتظر آماده‌شدن دولت برای مهار آن نخواهند ماند.

گفت‌وگوی «شرق» با جواد صالحی اصفهانی، استاد دانشگاه هاروارد و سومین اقتصاددان پراستناد ایرانی

رد ادعای تن‌پروری یارانه‌بگیران

برخی از اقتصاددانان دولتی، «نان به نرخ روز‌خور» هستند، بنابراین دولت‌ها را در مسیر اشتباهی که قدم می‌گذارند، متوقف نمی‌کنند

سعید ابوالقاسمی

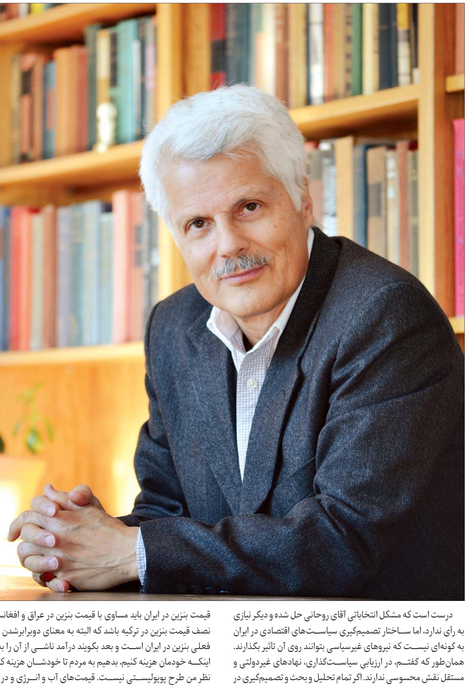

«دوسـت ندارم غیـر برنم؛ من بدم می‌آید که همـه فقط بکوبند باید این‌طور بشـود و باید آن‌طور بشـود؛ این رفتار بچه‌گانه اسـت؛ مخصوصا وقتی یک نفر خارج از کشور باشد و درباره وضعیت ایران سخن بگوید». این قسـمتی از نصیحت‌های جواد صالحی‌اصفهانی، اسـتاد دانشـگاه هاروارد و سـومین اقتصاددان پراستناد ایرانی است. او این صحبت‌ها را در حالـی مطرح می‌کند که اعتقـاد دارد در فقیم برخی از منافع اقتصاد دچار مشکل شـده‌ایم و تلاشـی هم برای اصلاح آن انجام نداده‌ایم. او درحالی‌که از لزوم اصلاح نظام اقتصادی ایران با تکیه بر منابع دیگر مثل نفت آموزشـی سـخن می‌گوید، اعتقاد دارد برخی از اقتصاددانان ایرانی که با دولت‌ها مرتبط بوده‌اند، «نان به نرخ روز خوار» هسـتند و به همین دلیل «مو از ماست نمی‌کشـند» و دولت‌ها را در مسـیر اشتباهی که قدم می‌گذارند، متوقف نمی‌کنند. جـواد صالحی‌اصفهانی که در اصل نیشابوری اسـت، معتقد سـرخت ارتباط کامل اقتصاد و سیاست به شدت مرعوب و می‌کوبد. اگر نظام اقتصادی تصحیح شود، نظام سیاسی نیز در مسیر خود قرار خواهد گرفت. گفت‌وگو با او از چگونگی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها آغاز شد و در نهایت به الزامات توسعه اقتصادی ایران رسـید. در تمام دقایق این گفت‌وگو نیز در کنار طرح انتقاد، راهکارهایی مطرح گرد تا تلاشی کند عقلانه‌مند اسـت به اقتصاد ایران کمک کند نه اینکه «در کنار کود بنشیند و دستور بدهد و غر بزند».

● دولت‌ها مختلف همواره تلاش کرده‌اند ساختار اقتصادی ایران را اصلاح کنند. این تلاش‌ها همیشه در قالب اجرای طرح‌های مختلف خود را نشـان داده؛ ماننـد موضوع هدفمندی یارانه‌ها که تلاشی برای اصلاح بخشی از ساختار اقتصادی ایران بود. شما فکر می‌کنید اصلاح ساختار اقتصادی ایران تاکنون موفقیت آمیز بوده است؟

در ابتـدا باید این را بگویم که اصلا کلام طرح در ایران درسـت اجرا می‌شـود که مثلا طرح هدفمندی یارانه‌ها درسـت اجرا شـود؟ بله، اقتصـاد ایران مبل به اصلاح دارد اما عواملی وجـود دارد که اجازه این کار را نمی‌دهد؛ اگـر بخواهم همین موضوع هدفمندی یارانه‌ها را مثال بزنم، باید بگویم که از نظر هدف‌های مورد نظر این طرح، یکی از بهترین طرح‌های اقتصاد ایران در ۵۰ سـال گذشته بوده اسـت. اما، اجرای طرح مشـکلاتی داشـت که نباید اهمیت و نقش اصلاحی آن را تحـت‌الشعاع قـرار دهد. شـما نگاه کنید، زمانی که کشـوری تحت تحریم نبـود به سر می‌بـرد و بهترین اقتصاددان‌هایش از تیم اقتصادی دولت کنار گذاشـته شـده اند. چه انتظاری دارید که طرح پیچیده‌ای مثل هدفمندی اسـت اجرا شود؟

● یعنـی اعتقـاد دارید اگر افـراد خوبی برای اجـرای طرح‌های اقتصادی در نظر گرفته شـوند، این طرح‌ها نتایج مثبت خود را نشان خواهد داد؟

بله! صدردصد. البته نوع تفکر تیم اقتصادی هم مؤثر اسـت. شـما همیـن دولت اولی روحانی را هم که نگاه کنید، متوجه می‌شـوید در رده‌های پایین‌تـر از نبود افراد اقتصادی قوی رنج می‌بـرد. علاوه بر آن، تیم سـابق اقتصادی در دسـت افراد اقتصادی‌ای تشکیل شـده بود که بـه عقیده من نگاهشـان به نقش بـازار از بعد شـرق‌بینانه اسـت. در اکثر مواقع دیده‌ام جوری صحبت می‌کنند که انگار مفهومی مانند شـرکت بازار وجود ندارد. این در حالی اسـت که علم اقتصاد از ۳۰ یا ۴۰ سـال پیش به نقش سـاختاری در ترمیم مشـکلات ناشی از شـکست بازار پرداخته اسـت. درست است که سیاسـت ارادسـازی اقتصاد برای پیشـرفت ایران نقش مهمی دارد، اما درک نقش سـاختاری در بهبود مشـکلات بازار کار، سرمایه و بهداشـت بسـیار مهم اسـت. در کنار این موضوع، سیاسـی‌شـدن طرح‌ها در تحلیل درسـت آنها جلوگیری می‌کند. اگر بخواهم همان هدفمندی را مثال بزنم، چاه جنگل و یا از جوگیری اقتصاد ایران در طرح سیاسـی‌شـدن آن بود به این معنی کـه رفقای آقای احمدی‌نژاد به‌هیچ‌وجه حاضر نبودنـد بگویند که حتی هدف این طرح خوب بوده اسـت. پس با انتقادهای تندشان، به قول آمریکایی‌ها، بچه را با تشت به روحانیه انداختند! برای توضیح بیشـتر این موضوع باید به قول از اجـرای طرح هدفمندی بپردازیم. پیش از اجرای این طرح، مردم ایران یارانه بدی را می‌گرفتند که تشویقشـان می‌کرد بیشتر برانند. بنزین بیشـتری بسـوزانند و وقتشـان را بیشـتر در ترافیک تلف کنند؛ خانه‌های شـان را بیشـتر گرم کنند و در نتیجه به محیط زیسـت بیشـتر صدمه بزنند. علاوه‌براین، این یارانه به صورت ناعادلانه توزیع می‌شد، به‌طوری‌که برای مثال سـهم دهـک بالا از یارانـه بنزین نزدیک به دهک برابر سـهم دهک پایین بود. با وجود این‌که دولت‌ها در جهت اصلاح این کمک کند اما نتیجه

در میان مـردم توزیع کند تا آنها، هم به‌صرر کشـور و نظام اقتصادی و اجتماعی فعالیت نکنند و هم هر کاری که خودشـان دوسـت دارند، با این پول انجام دهند. در اثر وقت بسـیاری از اقتصاددان‌های ایران از این طرح شـدیدا انتقاد کردند. حتـی اقتصاددان‌هایی که شـیفته بازار آزاد هسـتند، گفتند و می‌گویند که مردم نمی‌توانند درست تصمیم بگیرند و بنابراین دولت باید پول‌ها را برایشـان خرج کند؛ مثلا مدرسـه بسـازد، جاده بکشـد، بهداشـت را رتقا دهد. اینها، حرف‌های دری نیسـت و من هم با آن مخالف نیسـتم. اما اینجا دو اتفاقـ داریم: یکی اینکه به مردم بگویید بنزین ارزان را بگیرید و هر کاری می‌خواهید، انجام دهید؛ یعنی رفقا، قبل از هدفمندی، راه دیگرایی است که بگویید من بنزین را به بهای اصلی آن به شما می‌فروشم و در عوض پولش را می‌دهم. اینکه آقای احمدی‌نژاد و همکارانش در مباحسانشان اشتباه کردند، یعنی پولی که دادند. بسیار بیشـتر از پولی بود که گرفتند. شـکل این انتخاب را عوض نمی‌کند. اما استباط من از بحث‌های داخل ایران درباره این طرح این اسـت که در عمل این اقتصاددان‌ها قسـم اول را ترجیح دادند؛ یعنـی بنزین ارزان با توزیع ناعادلانه. البته در صحبت‌های‌شـان این طور نمی‌گفتند. بسـیاری تورم را به این ۱ میلیارد دلار کسـری بودجه هدفمندی وابسته کردند. درحالی‌که بخش عمده‌ای از تورم ایران، از افزایش قیمت انرژی ایجاد شد؛ یعنی از نوع فشـار هزینه‌های بود تا از نوع انبساط تقاضا و دریکی، دو سال بعد از افزایش قیمت انرژی اتفاق خودبه‌خود کم می‌شـد. وقتی قیمت انرژی بالا می‌رود، طبیعی اسـت که قیمت همه‌چیز افزایش پیدا می‌کند. در شرایط شـرایط، اگر بانک مرکزی پول چاپ نکند تا نقدینگی افزایش یابد، اقتصاد دچار رکود شدید می‌شود. در واقع اگر بخواهید قیمت انرژی را جهار برابر کنید و تورمی ایجاد نشـود، باید اقتصـاد را بخوابانید و این اتفاق، هزینه بسـیار زیادی دارد. بر همین اسـاس اسـت که اقتصاددان‌ها قبول کردند، اگر قرار اسـت چنین اصلاحاتی انجام شـود، قیمت‌ها در یکی، دو سال بـه ناچار بالا خواهند رفت و این، موضوعـی بود که باید در تدوین طرح پیش‌بینی می‌شد. ازطرفی‌دیگر، مخالفان طرح هم از آب گل‌آلود ماهی گرفتند؛ آنها گفتند که همه این تورم ایجاد شده. از گـوی بودجه ناشی از طرح هدفمندی اسـت. درحالی‌که آن کسـی بودجه در سـال اول فعالیت آقای روحانی را بررسی کرد، در همان دو سال اول که ایشان قیمت بنزین را ۵۰درصد افزایش دادند. گویی بودجه از بین رفت. حالا درسـت اسـت که پول کافی برای بهداشـت و سایر برنامه‌های دولت نبود. اما اینها به اصل طرح هدفمندی مربوط نمی‌شود.

● آمار و ارقام اقتصادی، موضوعی کاملا مشـخص و واضح است. چطور می‌شـود گفت آن کسری بودجه جبران شـد و ازسوی دیگر، تأثیری در نظام اقتصادی و جامعه نداشـت؟

ببینید. دولـت ایران سـالانه ۲۰۰هزارمیلیارد تومـان هزینه می‌کند؛ حدود ۵۰۰هزارمیلیارد تومان دیگر هم بنگاه‌های مختلف و دسـتگاه‌های نیمه‌دولتی هزینه می‌کنند و کسـری بودجه دولت به دلایل گوناگون به وجود می‌آید. با وجود چنین هزینه‌هایی، اگر بخواهیم روی ۱۵۰هزارمیلیارد تومان تمرکـز کنیم و بگوییم این مشـکل بزرگ کشور اسـت و بودجه آموزش و بهداشـت و مسائل دیگر را تحت‌تأثیر خود قرار داده. درسـت نیسـت. به‌علاوه، درآمدزایی خود دولت از افزایش ۵۰درصدی بهای انرژی، کسری بودجه خدمت اصلی طرح، یعنی جایگزین‌کردن یارانه نقدی به‌جای یارانه انـرژی، را حـذف کرد. درسـت اسـت که طرح مجلس نیازهای بسـیار مهمی را مطرح کرد، اما این طرح کمک‌های خود را در نظر گرفته بود، مانند بهداشـت عمومی و پرداخت به بیکاه‌ها. اما می‌شد که برای تأمین درآمد آنها باز از افزایش کمرکد بر ما مثل همـه کشـورهای دنیا، از افزایش مالیات گرفت. اینکه بعضـی از اقتصاددان‌های ایران می‌گویند پرداخت یارانه نقدی منطق اقتصادی ندارد کاملا اشـتباه اسـت؛ بسـیاری از اقتصاددان‌ها به این نتیجه رسیده‌اند اگر پول را به دسـت مردم بدهیم، بهتر از آن اسـت که به دست بوروکرات‌ها بدهیم و آنها هزینه کنند. فکر می‌کنم که حاکی و فردوس هم با این عقیده موافق باشند. شـاملی افراد فقیر کار اسـاسی اسـت و علاوه بر آن، یارانه نقدی به فقر، انگیزه می‌دهد تا جدی‌تر کند. سیاست نباید طوری باشد که اگر کسی کار کرد، مرآنها بیدا کرد و از خط فقر بالاتر رفت، یولش قطع شود. به این می‌گویند مشـکل انگیـزه صخره‌ای؛ یعنی در حول‌وحول خط فقـر، یا هر هفدار درآمدی که برای پرداخت یارانه در نظر گرفته شـده، مالیات بر درآمـد صد درصد می‌شـود؛ هر تومان کـه به درآمد از کار اضافه شـود، همـان مقدار را

نکته

اگر پول را به دست مردم بدهیم، آنها از آن کسـه به دست بوروکرات‌ها بدهیم تا آنها هزینه کنند

دولـت از یارانه کم می‌کند. دراین‌صورت، دیگـر انگیزه‌ای برای کارکردن میان افـرادی که یارانه می‌گیرند، باقی نمی‌ماند؛ اینکه افزایش به‌نوعی در پرداخت‌های کمیته امداد و بهزیسـتی می‌افتد. اما در نظام یارانه نقدی فراگیر مرد‌اند، مثل سـیستم‌های بانکی، چه بیشتر و چه کمتر از پولی که دریافت می‌کنند، کم نمی‌شـود. انتقادی که به نظام یارانـه فراگیر وجود دارد، از جانب تأمین اعتبار آن اسـت. اگر این اعتبـار از طریق افزایش مالیات بر درآمد از فعالیت‌های اقتصادی باشد، انگیزه را کم می‌کند و در نهایت به رشـد اقتصادی ضربه می‌زند. مثلا در سوئیس که مردم چنین طرحی را با اکثریت قاطع رد کردند، مالیات اکثریت مردم بالا می‌رفت.

سوئیسـی‌ها در واقـع پرداخت درصـدزیادی از سـوی دولت را رد نکردنـد، بلکه این موضـوع را رد کردند که کار کننـد و مالیات بدهند و دیگران که کار نمی‌کنند از این پول منتفع شوند! اما طرح این فن مشـکل را نـدارد چون درآمد طرح از محل ارزش افزوده ایجاد می‌شود که به نفع انگیزه‌های مالیات خوب اسـت. بنابراین رای منفی سوئیسی‌ها به پرداخت نقدی دلیلی بر هدفمندی یارانه‌ها نمی‌شود.

● البته این موضوع هم مطرح می‌شـد که اکریول یارانه را پرداخت کنیم. باعث می‌شـود که جلو کار مردم پایین بیاید و طبیعتا بهره‌وری کمتر شود. آیا این تحلیل درست است؟

این هم یک برداشـت سـطحی از کتاب‌های درسی اقتصاد است که می‌گویند اگر درآمد غیرکاری بالا بود، انگیزه برای کار کم می‌شـود. این حـرف تا حدی منطقی به نظر می‌آید. اما چیز شـاهد آماری برای آن نیسـت. ببینید، همین الان در ایران چقدر اکریول به نحوه‌های مختلف پول نقد دریافت می‌کنند که ارتباطی با درآمد کاری آنها ندارد. مثلا ممکن اسـت خانه‌ای اجاره بدهند و پول بگیرند. ولی این کار هم شـده که کارشان را رها کنند؟ اگر چنین چیزی بود تمـام افرادی که یک خانه کوچک اجاره می‌دادند، دیگر کار نمی‌کردند. درحالی‌که چنین نیسـت. در واقع این یک تهمت نارواه به افراد با درآمد پایین در ایران اسـت که از طرف افراد طبقه متوسـط به بالا زده می‌شود. مابه تاسف اسـت که اقتصاددان‌ها هم مصـوغ‌ی برای این تهمت‌ها دارند. کارشـان و آزروهایشـان برای بهبود زندگی را رها می‌کنند. در این میان سیاست‌مدارانی هم هستند که یارانه تومان تمرکـز کنیم و بگوییم این مشـکل بزرگ کشور است و بودجه آموزش و بهداشت و مسائل دیگر را تحت‌تأثیر خود قرار داده. درسـت نیسـت.

نکته

اقتصاددان‌ها با همزمان با تغییر دولت‌ها، تغییر عقیده می‌دهند، بنابراین مو را از ماست نمی‌کشند

ببینید، دولـت ایران سـالانه ۲۰۰هزارمیلیارد تومـان هزینه می‌کند؛ حدود ۵۰۰هزارمیلیارد تومان دیگر هم بنگاه‌های مختلف و دسـتگاه‌های نیمه‌دولتی هزینه می‌کنند و کسـری بودجه دولت به دلایل گوناگون به وجود می‌آید. با وجود چنین هزینه‌هایی، اگر بخواهیم روی ۱۵۰هزارمیلیارد تومان تمرکـز کنیم و بگوییم این مشـکل بزرگ کشور است و بودجه آموزش و بهداشت و مسائل دیگر را تحت‌تأثیر خود قرار دارد. درسـت نیسـت.

بزرگی از جامعه اسـت. اکنون شـاید ۳۰ درصد مردم ایـران جزء طبقات ضعیف هسـتند. آنها می‌فهمنـد و وقتـی مـا هـم درسـت را می‌شـنوند، حس می‌کنند با کسانی در جامعه روشنفکری و در سیاست طرف هسـتند که آنها بیگانه‌اند. در این ارتباط من و دانشجوی سابقم، محمدهادی مصطفوی یک مطالعه دقیق انجـام دادیم و نشـان دادیم افرادی که پول (یارانه نقدی) گرفته‌اند، کارشان کمتر شـده است. این نتیجه که پژوهش‌های دیگر هم تأیید می‌کنند، درست است. در این مسـئله در داخل ایران از طرف کسانی که برای آنها تصمیم می‌گیرند، با استقبال روبه‌رو نشـد. جای تأسـف بسیار اسـت که تصمیم‌گیری در مورد چنین طرح مهمی بدون مطالعات لازم انجام نشـود. یک مشکل این اسـت که بنیه پژوهشـی نهادهای تحقیقاتی مستقل یعنی غیردولتیه به دولت در ایران بایس است. درحالی‌که اکثر تحقیقات مهم در مورد سیاست‌گذاری در آمریکا و اروپا توسط نهادهای غیردولتیه به دولت، مثل دانشـگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی غیردولتی انجام می‌شوند.

● معمولا در ایـران، دولت‌ها در دوراول محافظه‌کارانه برخورد می‌کنند، اما بعد از انتخاب در دوره دوم جسـورتر می‌شـوند. حالا که روحانی برای بار دوم رئیس‌جمهور شده، باید چه سیاستی را در پیش بگیرد؟

در شـرایطی که آب‌های زیرزمینی در کشـور بـا حفر چاه‌های غیرمجـاز یا اضافه‌برداشـت از چاه‌های دارای پروانه به شـدت تخلیه می‌شـود و در کنار افت تراز سـفره‌ها به پدیده فرونشـست و ایجاد فروچال‌ها مبتلا می‌شـود که نشـانه مهم آن بـی‌آبی اسـت و با وجود اطلاع‌رسـانی و برگزاری همایش‌ها و برنامه‌ها، منافع شـخصی هدف‌گنـدکان که در تعارض با منافع عمومی قرار دارد، غالب اسـت. تجربه اینکـه جامعه از یک قدام اعلامیه یارانه برای مشـارکت در رفع نابابداری اسـتفاده از منابع مشـترک نظیر آب، همیاری و شـفقت نشان نمی‌دهد. منازعات اجتماعی بین مصارف، نظیر کشـاورزی، صنعت و شـرب و همچنین منافعی مانند روستاها، شهرها و اسـتان‌های مجاور و حتی کشورهای دارای منابع آبی مشـترک بر سر تقسـیم آب یا برداشـت بیش از توان اکولوژی وضعیت آبریز ادامه دارد. هر یک از کنشـگران (ذی‌نفعان) دیگری را متهم به صرف بی‌رویه و بدون مدیریت آب می‌دانند.

در کنـار کاهـش منابع و رفاهت برای مصرف بیشـتر، عملا اختصاص یارانه تومیـن نقدی به مصرف آب و انرژی باعث شـد است تا تمایل برای مصارف بیشـتر این منابع بدون رعایت منافع عمومی و بیش از اندازه کشـور گردد. برای مثال اسـتفاده از انرژی الکتریکی به دلیل نرخ بسـیار پایین آن بیشتر از نیاز معمول صورت می‌گیرد. به گونه‌ای که نسبت مصرف انرژی به تولید ناخالص ملی در کشور ۵۰ درصد تقریبا بیشتر از دیگر کشورهاست. این شاخص در دو چین، ترکیه و آلمان به ترتیب ۲۹ ، ۹.۱۵ و متوسـط جهانی آن ۱۷ اسـت که بخشـی از این انرژی تولیدی به‌طور رایگان برای استحصال آب از اعماق زیاد برای کشـاورزی غیرافقدامد استفاده می‌شود.

تعارض منافع شخصی با منافع عمومی در استفاده از منابع مشترک

بشـر از ابتدای قرن نوزدهم با یک سـئول بزرگ مواجه اسـت «چگونه می‌توان منافع شـخصی افراد جامعه را با منافع مشترک و عمومی پیوند داد». ویژگی اسـاسی عقلانیـت و انتخاب بهینه در تمام امور اسـت. به‌عبـارت دیگر ما در تمام امـور زندگی از روش بهینه‌گزینـی استفاده می‌کنیم. در انتخاب محل زندگی، تحصیل درآمـد، انتخاب مسـیر حرکت بـه محل کار و وسـیله نقلیه مورد تنظیم برای رفت و آمـد رویارانه و غیره برای انتخـاب خوراک و غذا، صدها تصمیم جزیی امورات مختلف اتخاذ می‌کنیم. بنابراین باید به این سـؤال که چگونه می‌توان اسـتفاده از منابع مشـترک را با منافع یکایک اعضا یا گروه‌های جامعه هدف همسـان کرد، همواره مورد توجه روان‌شناسـان، جامعه‌شناسـان و کارشناسـان اقتصاد

در شـرایطی که آب‌های زیرزمینی در کشـور بـا حفر چاه‌های غیرمجـاز یا اضافه‌برداشـت از چاه‌های دارای پروانه به شـدت تخلیه می‌شـود و در کنار افت تراز سـفره‌ها به پدیده فرونشـست و ایجاد فروچال‌ها مبتلا می‌شـود که نشـانه مهم آن بـی‌آبی اسـت و با وجود اطلاع‌رسـانی و برگزاری همایش‌ها و برنامه‌ها، منافع شـخصی هدف‌گنـدکان که در تعارض با منافع عمومی قرار دارد، غالب اسـت. تجربه اینکـه جامعه از یک قدام اعلامیه یارانه برای مشـارکت در رفع نابابداری اسـتفاده از منابع مشـترک نظیر آب، همیاری و شـفقت نشان نمی‌دهد. منازعات اجتماعی بین مصارفی، نظیر کشـاورزی، صنعت و شرب و همچنین منافعی مانند روستاها، شهرها و اسـتان‌های مجاور و حتی کشورهای دارای منابع آبی مشـترک بر سـر تقسـیم آب یا برداشـت بیش از توان اکولوژی وضعیت آبریز ادامه دارد. هر یک از کنشـگران (ذی‌نفعان) دیگری را متهم به صرف بی‌رویه و بدون مدیریت آب می‌دانند.

در کنـار کاهـش منابع و رفاهت برای مصرف بیشـتر، عملا اختصاص یارانه تومیـن نقدی به مصرف آب و انرژی باعث شـد است تا تمایل برای مصارف بیشـتر این منابع بدون رعایت منافع عمومی و بیش از اندازه کشـور گردد. برای مثال اسـتفاده از انرژی الکتریکی به دلیل نرخ بسـیار پایین آن بیشتر از نیاز معمول صورت می‌گیرد. به گونه‌ای که نسبت مصرف انرژی به تولید ناخالص ملی در کشور ۵۰ درصد تقریبا بیشتر از دیگر کشورهاست. این شاخص در دو چین، ترکیه و آلمان به ترتیب ۲۹ ، ۹.۱۵ و متوسـط جهانی آن ۱۷ اسـت که بخشـی از این انرژی تولیدی به‌طور رایگان برای استحصال آب از اعماق زیاد برای کشـاورزی غیرافقدامد استفاده می‌شود.

تعارض منافع شخصی با منافع عمومی در استفاده از منابع مشترک

بشـر از ابتدای قرن نوزدهم با یک سـئول بزرگ مواجه اسـت «چگونه می‌توان منافع شـخصی افراد جامعه را با منافع مشترک و عمومی پیوند داد». ویژگی اسـاسی عقلانیـت و انتخاب بهینه در تمام امور اسـت. به‌عبـارت دیگر ما در تمام امـور زندگی از روش بهینه‌گزینـی استفاده می‌کنیم. در انتخاب محل زندگی، تحصیل درآمـد، انتخاب مسـیر حرکت بـه محل کار و وسـیله نقلیه مورد تنظیم برای رفت و آمـد رویارانه و غیره برای انتخـاب خوراک و غذا، صدها تصمیم جزیی امورات مختلف اتخاذ می‌کنیم. بنابراین باید به این سـؤال که چگونه می‌توان اسـتفاده از منابع مشـترک را با منافع یکایک اعضا یا گروه‌های جامعه هدف همسـان کرد، همواره مورد توجه روان‌شناسـان، جامعه‌شناسـان و کارشناسـان اقتصاد

علیرضا دانمی
قائم‌مقام سابق وزیر نیرو
و پژوهشگر منابع آب

دسـت‌اندازی انسـان به منابع طبیعی زمین و اسـتفاده روزافزون از دانش فنی برای یافتن و اسـتخراج منابع زیرزمینی و از آن جمله آب‌های زیرزمینی و سـوخت فسـیلی باعث شـده اسـت تا زمین بـا مخاطرات زیادی مواجه شـود. اقدامات بشـر منجر به افزایش کازهـای گلخانه‌ای و در نتیجه تغییرات آب‌وهوایی شـده اسـت و اثرات این پدیده بر کره خاکی نیز باعث تشدید پدیده تغییر اقلیم نظیر کم‌بارشـی، افزایش درجه حرارت، تغییر الگوی بارش و بابیازایی در مناطق کسـترده‌ای از زمین شـده اسـت. انتشـار گازهای ملل به مناسـبت روزانه آن در مارس ۲۰۱۸ میلادی حکای از تهدید بخشـی از سـاکنان زمین به دلیل تغییر اقلیم و خشک‌سالی اسـت. در این گزارش پیش‌بینی شـده اسـت که در سـه دهه آینده ۷۰۰ میلیـون نفر از سـاکنان مناطـق کمآب مجبور بـه مهاجرت خواهنـد شـد. همچنین از دولت‌ها درخواست شـده اسـت تا با توجه به آنکه تا سـال ۲۰۵۰ میلادی بیش از پنـج میلیارد نفر در معرض خطر دسترسی سـخت به آب مناسـب خواهند بود، راه‌حل‌هایی ارائه کنند. خانم ادری ارزولای، مدیرکل یونسـکو در پیشگفتار این گزارش عنوان کرده ما نیاز به راه‌حل‌های درست در مدیریت منابع آب داریم تا بر چالش‌های ناشـی از امنیت آب به دلیل رشـد جمعیت و تغییر اقلیم سازگار شـویم. همچنین در هدف ششم برنامه ۲۰۳۰ توسعه پایدار که توسـط رهبران جهان در سال ۲۰۱۵ به تایید رسـیده اسـت، دسـتیابی مردم جهان به آب آشامیدنی سـالم توصیه شـده است. در این گزارش تأکید می‌شـود که تقاضا برای آب از حال افزایش اسـت و به دلیل رشـد جمعیت، رشـد تقاضا و تغییر الگوی مصرف در دو دهه آینده این رشـد ادامه خواهد داشـت. براسـاس پژوهش‌های صورت‌گرفتـه، مناطق مرطوب در حال تبدیل‌شـدن بـه مناطق مرطوب‌تر هسـتند و مناطق خشـک خشک‌تر خواهند شد. به عنوان این شـرایط بدون مدیریت منابع مشـترک نظیر آب، هوا، جنگل و خاک با دشواری بیشـتری مواجه اسـت. مصرف بی‌رویه انرژی در دهه‌های اخیر از جمله نحـوه اسـتفاده بی‌رویه از انـرژی الکتریکی باعث بی‌توجهی به مدیریت منابع آب شـده اسـت. حتی در شرایط انجام‌شـده اسـت که سـومانی اجتماعی مذکور، منتظر آماده‌شدن دولت برای مهار آن نخواهند ماند.

کمحرانی منابع مشترک و مدل‌های تصمیم‌سازی

تنش آب، با تفکر بحران‌زا، حل نمی‌شود

برنامه‌های توسـعه‌ای دولت در ایجاد این بحران بزرگ، نقش ایفا کرده‌اند. در ساختارهایی که اعضای جامعه آن به طور عموم دچار بیماری اعتیاد نادرست از منابع مشـترک می‌شـوند، نقش دولت نیز در توزیع مجوزها، مصوبه‌ها و یارانه‌ها بسـیار اسـت. در چنین شـرایطی معمولا مسـئولانی نیز رشـد کرده‌اند که وظیفه‌شـان جلوگیری اعتیاد جامعه خود را مغبـون و مورد ظلم می‌دانند و همواره به دنبال مقصری برای فراغتی و بی‌تقصیردانسـتن خود هسـتند. به طور مثال امروز بیشترین یارانه خارج از چرخه تولید، توزیع می‌شود و بیشـترین یارانه‌ها و دارایی‌ها، مانند زمین در انحصار معدودی از کشـگران و عمدتا وابسته‌ها و سـوداگران اسـت. در کشاورزی آب زیرزمینی رایگان اسـت و مصرف بیش از اندازه آن به‌شدت به منافع عمومی آسـیب وارد می‌کند. حقریبش از ۳۰۰ هزار جاه غیرمجاز و برداشـت آب بدون کنترل و نظارت در کشـور ظاهرا به نفع متخلفان اسـت. اما اعلام برداشـت‌ها از کل منابع آب زیرزمینی و حیات خوبه را به مخاطره می‌اندازد. جامعه‌پژوهان مثال جالبی برای این امور دارند و آن «آسـیرخانه خوابگاه‌های دانشجویی» اسـت که همه از آن اسـتفاده می‌کنند، ولی در نظافت آن مشـارکت نمی‌کنند. مثال دیگـر که دغدغه این روزهای مدیران اقتصادی کشـور نیـز هسـت، جمع‌آوری ارز، ۱۵ و پول نقد اسـت که منجر به خـروج منابع اقتصادی از چرخه تولید شـده و در نتیجه باعث بی‌کاری و رکود در شرایطی که نقدینگی در دسـت افراد جامعه اسـت، ولی در چرخه اقتصادی و تولید قرار دارد، می‌شود. به عبارتی به مدیرانی با مردمی و ثروت مناسـب ولی جامعه‌های فقیر مواجه می‌شویم. در استفاده از منابع مشـترک نظیر آب و برق، رفتارشـناسی اعضای جامعه بسیار مهم اسـت. با استفاده از کنش‌ها و واکنش‌های افراد می‌توان به این نکته دسـت یافت که «تحت چه شرایطی بهینه‌سازی فردی به نتایج خوب برای همه منجر خواهد شـد». عمدا در دولت تصمیمات اعضای جامعه می‌توانند به تصمیمات بدیلی برای اسـتفاده شخصی و عمومی حامل شـود. در استفاده از آب برای کشاورزی یا مصارف خانگی برخی مواقع افـراد بهینه‌کنون با اقدامات خود منجر به بروز بحران‌های بـزرگ و در نهایت بی‌اعتباری اخرض خود و کل جامعه می‌شوند. به طور مثال از اوایل انقلاب با توسعه بی‌رویه باغات بسـته در رفسنجان بدون رعایت حقوق ایشان، بازار بیمه درمان انفرادی در آمریکا بود که خرید بیمه درمان انفرادی باعث آسـیب قسمت از مسـئله تأمین اجتماعی آقای روحانی حل شده و دیگر نیازی به پای نداره. اما سـاختار تصمیم‌گیری سیاسـت‌های اقتصادی در ایران به گونه‌ای اسـت که نیروهای غیرسیاسـی بتوانند روی آن تأثیر بگذارند. همان‌طور که گفتـم، در ارزیابی سیاسـت‌گذاری، نهادهای غیردولتی و مستقل نقش محـوری ندارند. اگر تمام تحلیل و بحث و تصمیم‌گیری در حوزه سیاسی باشد، صحنه ارزیابی تبدیل به رینگ بوکس می‌شود؛ یعنی مردم و مسئولان